



• یک شنبه • ۲۶ فروردین ۱۳۹۷ • شماره ۱۸

#### حدیث روز

خوشرویی هنگام روبه رو شدن با مؤمن، بهشت را بر فرد خوشرو واجب می کند. حضرت فاطمه (س)، بخارا الانوار

#### در محضر بزرگان

### خودشناسی انسان با کمک خداوند

مرحوم علامه جعفری فرموده اند:

«خداوند برای شناخت تکامل روح به انسان کمک می کند.علی(ع) می فرماید: «ای بندگان خدا، از مهم ترین بندگان نزد خداوند،بنده ای است که خدا او را در جهت شناخت نفس خود کمک کرده است.» البته خداوند هنگامی در معرفت و تصعیدروح به انسان کمک می کند که انسان خواهان شناخت و تصعیدروح خودباشد.

در نهاد انسان، استعداد و زمینه اراده و شوق به انجام کارهای خیر نهفته است؛ بهترین دلیل آن هم «کاروان با عظمت حق طلبان رشدیافته تاریخ بشری است.» عدم خوشش این اراده و حرکت کرد:تخیلات و تلقیناتی که انسان به خود می کند، مبنی بر این که معرفت و تصعید روح امری دشوار و غیرممکن است، عوامل بیرونی، گاه سد راه انسان می شوند. نظیر نامناسب بودن محیط اجتماعی، فقدان تعلیم و تربیت های سازنده و ... انسان باید بر این دو مانع غلبه و در حد توانایی خود در مسیر رشد و کمال خویش بکوشدو از مسئولیت سازندگی خویش سر باز نزند.»

موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری

#### بریده کتاب

### عشق؛

### پایمردی می خواهد

عشق در عمل، در قیاس با عشق در روْیا چیزی خشن و سهمگین است. عشق در روْیا آژمند عمل فوری است، بدون معطلی و در پیش دیدگان همه... آدم‌ها حاضرند جانشان را هم بدهند، منتها به شرطی که آژمون، دشوار و طولانی نباشدو زود تمام شود!همگان هم آن چنان که گویی در تئاتر، تماشا کنند و دست بزنند!اما عشق فعال، کار شاق و پایمردی می‌خواهد.

بر گرفته از «برادران کارامازوف» اثر فتودور داستایوفسکی

#### غلط‌نویسیم

## فکرش رانکن

در فیلم های دوبله از زبان انگلیسی، معمولا کسی که ناراحت یا خشمگین است می گوید: «فراموشش کن!» این جمله به ازای اصطلاح انگلیسی forget itاست که بر اثر تنبلی فکری یا شتابزدگی مترجمان لفظ به لفظ ترجمه شده است.

ولی در پارسی نسبت به موقعیتی که در آن به کار می رود غالبا بی معنی یا مضحک است. معادل درست این جمله در پارسی برحسب موارد مختلف چنین است: «چیزی نیست»، «قابلی ندارد»، «مهم نیست»، «بگذریم»، «فکرش رانکن» یا به تعبیر عامیانه «ولش کنیم» و نظایر این ها.
بر گرفته از «غلط نویسیم» اثر ابوالحسن نجفی

#### اندکی صبر

### آلزایمر

نبودنت آلزایمری می خواهد
نه حد مرگ
نه کسی را شناخت
نه با کسی حرف زد
و آنقدر تنها ماند
تا ویران شد!

سمیرا آتالویی

#### دنیا به روایت تصویر



یاهو| برگزاری سی و هشتمین مارا تِن رو تِردام، هلند

#### خودمونی

## لطفاً بگذارید یک فوتبال خوش از گلویمان پایین برود!

سید مصطفی صابری | روز نامه نگار

در شب هایی که واقعیت فوتبال جهان مرزهای شگفتی را رد کرده که تخیل و فانتزی جلوش کم می آورد، قبل و بعد هر برنامه فوتبالی تلویزیون ما تبدیل می شود به یک چالش ذهنی و روحی برای مخاطب. یعنی یک فوتبال خوش از گلویمان پایین نمی رود مگر این که چندین و چند تبلیغ و رپرتاژ و قرعه کشی مربوط به اپلیکیشن های پیش بینی فوتبال و موارد مشابه را ببینیم و ماجرا آن قدر با حرارت تکرار می شود تا مجاب شویم از محصولات یا خدماتی که معرفی می شود استفاده کنیم. در بسیاری از کشور های مختلف دنیا، شبکه های تلویزیونی با فروش حق اشتراک مسابقات پربیننده و جذاب را پخش می کنند و بیننده یک بار حق اشتراکی را به شبکه مد نظر پرداخت می کند و با خیال راحت می نشینند پای هیجان ناب فوتبال. تلویزیون ما فوتبال را رایگان پخش می کند اما قبل و حین و بعد از یک بازی چنان مخاطب را در معرض تبلیغات می گذارد که مزه شیرین هیجانی که تجربه کرده با کلی اما و اگر از بین می رود.

بسیاری از ما در زندگی مشکلات اقتصادی داریم و با فوتبال برای ساعتی از دنیای پیرامون مان جدا می شویم، اما این تبلیغات چنان روی رویاهای مخاطب زوم می کند که سودای یک شبه پولدار شدن به سراغش می آید و دوست دارد در تمام قرعه کشی ها شرکت کند. به طور معمول هم بیشتر شرکت کنندگان برنده نمی شوند و سر خوردگی تازه ای به مشکلات قبلی شان اضافه می شود. اگر هم در قرعه کشی ها شرکت نکنند مدام باید با خودشان کلنجار برونند که چرا شانس شان را امتحان نکردند. نمی شود انتظار داشت تلویزیونی که خدماتش کمابیش رایگان است از درآمد تبلیغات چشم پوشی کند، اما

ای کاش سبک و سیاقی این تبلیغات و حشمش طوری نباشد که تجربه تماشای فوتبال را به استرس پرنده شدن یا نشدن در قرعه کشی و مسابقه پیش بینی و این چیزها تغییر بدهد.

#### دور دنیا

## خریدن خودرو به جای بلیت قطار!



**آدیتی سنترال** – تام کلیسای، پسر ۲۷ ساله انگلیسی که قصد یک سفر کوتاه ۱۵۰ کیلومتری با قطار را داشت، از قیمت بالای بلیت قطارهای کشورش عصبانی شد و تصمیم گرفت یک حرکت اعتراضی به قیمت ۳۱۰دلاری بلیت برای مسافت کوتاه انجام دهد! او به جای خرید بلیت قطار، یک

خودروی قدیمی ارزان گرفت. با وجود هزینه بنزین و مالیات، قیمت این خودرو کمتر از قیمت بلیت قطار شده است! او حرکتش را رسانه ای کرده است تا مسئولان فکری به حال قیمت بالای بلیت قطار در انگلستان بکنند.

## عاقبت وحشتناک فلفل خور دن



**آدیتی سنترال** – مرد آمریکایی بعد از یک رقابت محلی برای خوردن تندترین فلفل دنیا، با حمله عصبی شدید و سردرد و گردن درد وحشتناک رو به رو شد. درد او به قدری شدید بود که پزشکان بلافاصله او را در بیمارستان بستری کردند و مشخص شد که به علت تنگی عروق در هنگام خوردن فلفل، دچار

سکته و آسیب شدید مغزی شده است. هر چند او بعد از یک هفته از بیمارستان مرخص شد ولی برای همیشه از خوردن فلفل منع شد.

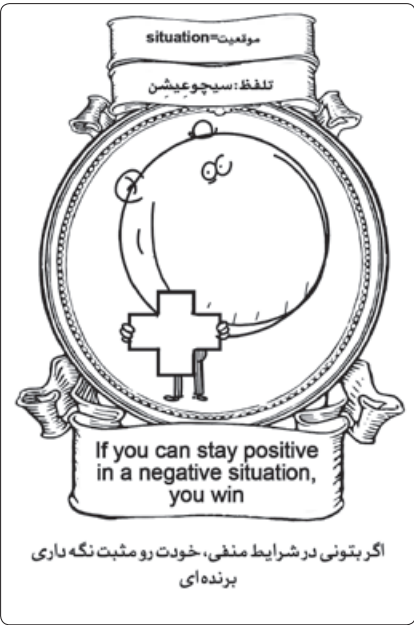
## مجسمه ساخته شده از سوسک!



**تاکسل** – «آرمور سامورایی»، هنرمند چیره دست ژاپنی مجسمه یک سامورایی را با خلاقیت جالبی از سوسک ساخته است! او

برای طراحی این مجسمه از هزاران سوسک مرده استفاده کرده است. سوسک های رنگارنگ ریز و درشتی که او در ساخت این مجسمه به کار برده است، مثل سنگ های قیمتی می درخشند و جلوه زیبایی به این مجسمه داده اند.

#### انگلیش آموزی



اگر بتوانی در شرایط منفی، خودت رو مثبت نگه داری برنده ای

ترجمنده: هیرا تاتاری



گاردین| کلاغی در حال کندن موهای پاندا برای سقف لانه اش! پکن

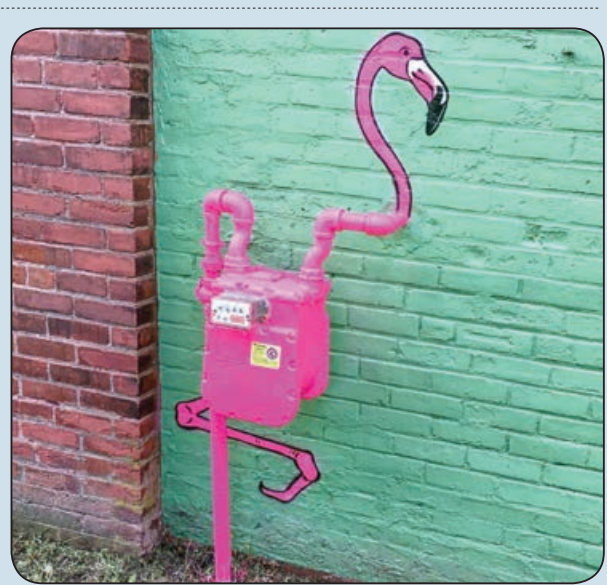
#### شبکه های اجتماعی

• یارو با کت شلوار رفته کوهنوردی، گزارشگر ازش می پرسه «جناب سخت نیست با کت شلوار؟» می گه: «چرا سخته، ولی هر کاری سختی خودش رو داره!»
• حدود دو سه ماه از سال تحویل گذشته ولی همچنان فروردین ادامه داره!
• بولینگ ساعتی ۱۲۰ تومنه. ۵۷ نفر جور کردم، ۳ نفر دیگه پیدا کنم می تونیم با نفری هزار تومن بریم نیم ساعت بولینگ بازی کنیم!

• میگن کی روش به فامیل داره تو کار فروش سسی دبه، می خواد آهنگ جام جهانی رو بده اون بخونه!

• من وقتی زندگی آدم های موفق رو می خونم همون هنگام خوندن کار و تلاشی که اینا می کنن خسته می شم، باید یه چای بخورم و یه چرت بزنم. شماها چه جوری الگو می گیرید از اینا؟!

• کاش همه کشورها جام جهانی رو تحریم کنن، لاقل ما از کابوس اسپانیا و پرتغال راحت بشیم!



خلاقیّت در تزئین کنتور روی دیوار

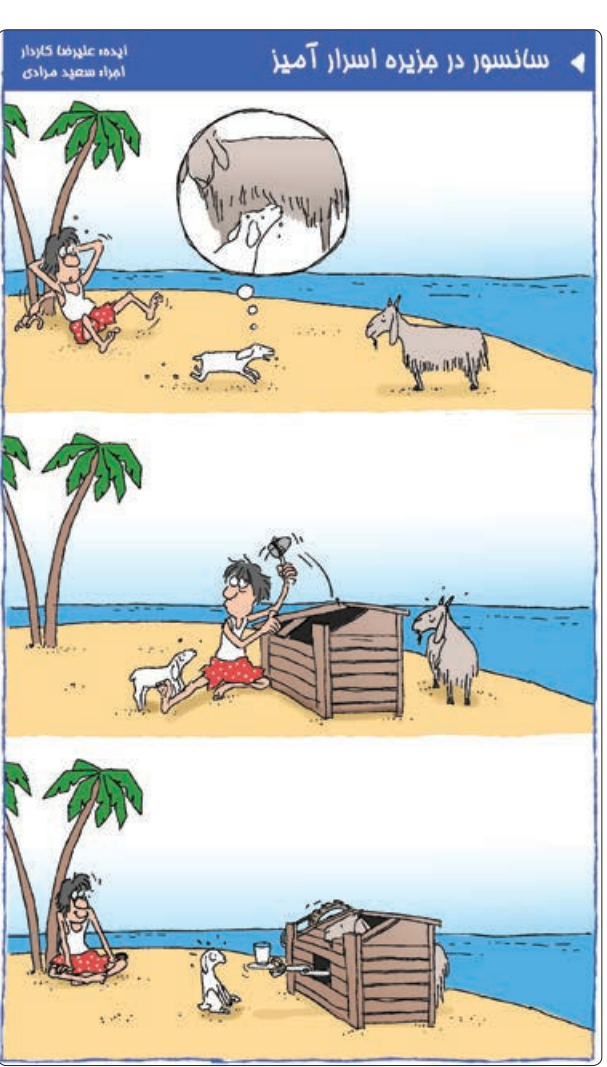
#### شعر طنز

## عکس فوری

*امیر حسین خونی حال* | شاعر و طنزپرداز

با در خانه؛ عکس می گیریم
غیر آن عکس ها که می دانید!
آشنا خسته گر بگردد با
ما به هر جا که می رویم اول منتظر تا پرندگان پروند
گاه پیش آمده که با اتوبوس او و رایانه عکس می گیرد
داخل پارک، در توالت ها
گاه پیش آمده که تنها با بس که تنها شدیم با سگ ها
شمع را می کشیم و بعدش با الغرض دشمن همیم اما

#### سه نقطه



تلگراف| عبور جوانان مکزیکی از بالای آهنین مرز با کشور آمریکا

#### کله جغوفی

## آق کمال از دید و باز دید فرار می کند

آق کمال

دیدن عید به چی سرعتی تموم رفت؟ اصلا انگار نه انگار که یک سال منتظرش بودم
بیه و خستگی در کنم و صبحا بیشتر بخوابم و برم تو دل طبیعت، مسافرت و حالشه بیرم.
هم از فردای سال تحویل کله صبح روندی شروع کردم به عیدزدنی به صورت رفت و برگشتی که ای آخرایش به مرحله حذفی هم رسید!
ما مرفتم خانه عموم، داییمه اونجی مدیدم و مگفتن دارن مرن خانه شان، تا خداحافظی مکردن، دو دقیقه تنفس مدادم بهشان که کتری شانه بذارن جوش بیه و پشت بندش مرفتم خانه شان. واز اونجی شوهر عمام هم مدیدم و میرسید اقات اینا کی خانه تِن تا برن پشت در اول صف باشن!عید ما به همی دید و بازدیدها گذشت. حالا ای وسط برد با اونایی بود که جلوس مذاشتن. یعنی یکی دو روز ره مشخص مکردن که همو روزا خانه تِن و بقیه فامیل باید همو روزا مرفتم خانه شان. خوبی جلوس ایه که صابخانه مدنه امروز مهمون دره و میوه و شرنی مخره. اوجوری نیست که ظهر خوابه و مهمون تلفن مرنه ما پشت درم و صابخانه بدبخت باید تو یخچال بگرد لای موزهای سیاه سوخته و سیبهای ورچرو کیده و پرتقال های پلاسیده، چیزی پیدا کنه بذاره جلوی مهمون.

ولی بدی جلوس هم ایه که کل فامیل مثل سیل هجوم میارن. نه خوداشان چیزی از مهمونی مفهمن و نه صابخانه مفهمه بری کی چای گیرفته و بری کی اجیل نگیرفته و نمکدون و اسستکان و کارد کم میه. ماشالا قوما میاُم جایی رفتنشان با خودشانه، بیرون آمدنشان با خدا. اول همه رو میل می شینن، بعد که بیشتر مرن، یک عده رو زمین می شینن. بعد از یک ساعت اونایی که اول آمدن مرن تو آشپزخانه و اتاق خواب و تخس مرن تا بقیه جا بشن. حالا خانه های بزرگ خوبه، ای اغل گفتن های ما چوونا که به زور خودمان توش جا مرم، دگه تحمل ای حجسم از مهمون ره ندره. بماند که یک عده هم نمذمن بری چی فکر مکنن تو عید کف خیابونا و ماشینا هم نویه و مِتنن با کفش هاشان بین تو خانه. دم در هم مکن «کفشای عیدمونه»، خب کفشاتان نویه، کف پیاده رو که همو کثافت قبل از عیده! کلا نه که عیدزدینی بود، ولی خیلی خُنگ بود. به قول عیال، تو دو هفته کل فامیل و آشنا و حتی اونایی که نمشناختیم ره دیدم و واز رفت تا سال دگه. تازه از حالا اونایی که مسافرت بودن مِین عیدزدینی و ما باید برم دیدنشان. ما چوونا هم تو نوبتم، مثلا نوبت جلوس ما نیمه دوم خر داده که همی آش و کاسه سرمان پیاده مره!

#### فتوترا نه



#### ما وشما

که ستودم شبیه توست.

**امیرعلی مهریان**
• اون قدر مهربونم که اگه کسی هم از چشمم بیفته، برش می دارم یه فوتش می کنم می دارمش سر جاش...

**مسعود مجنونپور**

• مرتضی جان، عزیزم، سالگرد ازدواج مان را به تو عشق اول و آخر زندگی ام تبریک می گویم، امیدوارم سال های سال در کنارم باشی.
**مرضیه**
• کاش برای مسابقه این کیه، محاله راهنمایی کنیم، این گونه تتری می زدید: محاله یک کودک ۳ساله درست واقعی! فکر کنم مطلب را یک مرد حدس بزند و برنده مسابقه این هفته ما شود!

• به مناسبت بیست و پنجم فروردین بزرگداشت عطار نیشابوری:
هفت شهر عشق را عطار گشت
ما نرفتم تربت و قزوین و رشت
بهر پرداختی آب و برق و گاز
مانده ایم حالا میان شیش و هشت!
**یارمحمد خدنگی**

